

## تحلیل موانع اثربخشی صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب‌وکارهای روستایی

### چکیده

امروزه تأمین مالی خرد به عنوان رهیافت کارآمد، نقش مهمی را در حمایت از واحدهای کوچک و ایجاد فرصت‌های شغلی ایفا نموده و زمینه‌ساز پس انداز و توسعه به شمار می‌رود. شواهد حاکی از آن بود که صندوق‌های تأمین مالی خرد در شهرستان قلعه‌گنج، با وجود دستاوردهایی که در زمینه ارائه بهتر خدمات اعتباری برای تقویت اشتغال ساکنان محلی داشته‌اند، با چالش‌هایی نیز مواجه هستند. در همین راستا، این مطالعه با هدف شناسایی و تحلیل چالش‌های مربوط به صندوق‌های تأمین مالی خرد روستایی در شهرستان قلعه‌گنج انجام شد. جامعه آماری این تحقیق ۲۱ هزار نفر روستایی عضو در صندوق‌های تأمین مالی خرد راه‌اندازی شده در شهرستان قلعه‌گنج بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود. برای تجزیه و تحلیل و توصیف داده‌ها علاوه بر آماره‌های پراکندگی و مرکزیت، از ضریب تغییرات و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که به ترتیب چالش‌های ادراک پایین نسبت به قابلیت‌های اشتغال‌زایی و استعدادهای کارآفرینانه، توان مالی پایین خانوارها و شرایط نامطلوب وام‌ها، فقدان مهارت و فناوری مناسب و در نهایت، فقدان بهره‌مندی از زیرساخت‌ها و عوامل تولید مناسب، از مهمترین موانع اثربخشی صندوق‌های مربوطه در توسعه کسب‌وکار به شمار می‌روند. نتایج این مطالعه، به‌خصوص با توجه به فقدان ادبیات تجربی کافی و مناسب در داخل کشور، می‌تواند نقش عمده‌ای در ارائه بینش صحیح به دست‌اندرکاران صندوق‌های تأمین مالی خرد ارائه دهد.

**کلمات کلیدی:** وام‌های خرد، استعدادهای کارآفرینانه، فقرزدایی، قلعه‌گنج

## ۱. مقدمه

یکی از دلایل تداوم فقر در بین اقشار آسیب‌پذیر، عدم دسترسی آنها به منابع مالی و اعتباری مناسب است. این مشکل سبب می‌شود فقرا نتوانند در فعالیتهای اقتصادی مناسب وارد شوند و راهبردهای معیشتی مناسبی را اتخاذ کنند. منابع اعتباری نه تنها برای افزایش توان پرداخت خانوار مفید می‌باشد، بلکه به بهبود آموزش و مهارت در بین جامعه هدف کمک کرده و نقش خانوار در تقویت توانمندی فرآیند اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را سبب می‌شود (Ali & Alam, 2010). دستیابی به اعتبارات، آثار مستقیمی بر رفاه خانوارها و عملکرد شغلی داشته و می‌تواند با هدف افزایش برابری مورد استفاده قرار گیرد (Varmazyari, 2010). امروزه در اغلب کشورهای در حال توسعه به اعتبارات خرد به عنوان یک مسئله مهم در کاهش فقر و توسعه پایدار روستایی توجه می‌شود (Saei & Ziaee, 2019; Félix & Belo, 2019; Shaiq et al., 2021; Thanh et al., 2019). در واقع هدف از اعتبارات خرد، حذف فقر و بهبود زندگی وام‌گیرنده‌ای است که از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار نبوده است (Kamalbar Malikshah et al., 2013; Varmazyari et al., 2022). شایان ذکر است که در حال حاضر حدود ۱/۴ میلیارد نفر در جهان در فقر شدید به سر می‌برند که اکثر آنها در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (Klarner & Knabe, 2019). با توجه به موفقیت نسبی برخی از نهادهای مالی در چندین کشور در ارائه اعتبارات خرد به فقرا و توانمندسازی آنها، اندیشمندان از این موفقیت‌ها با عنوان انقلاب اعتبارات خرد یاد کرده‌اند (Sengupta & Aubuchon, 2008). تأمین مالی خرد با مواردی مانند بهبود درآمد، ایجاد مشاغل جدید، خوداشتغالی، بهبود بهره‌وری، بدست آوردن ظرفیت‌ها و توانمندسازی گروه هدف و کاهش آسیب‌پذیری آنها در ارتباط بوده (Dutta & Banerjee, 2018; Shahid & Bohara, 2020; Shabanali Fami et al., 2010). Karami & Bakhshoodeh, 2010; Chilimba, Dunga & Mafini, 2020; و به طور غیرمستقیم بر روی گروه‌های کم‌درآمد برای رهایی از فقر تاثیر می‌گذارد. مطالعات نشان داده است که تأمین مالی خرد اثر مثبتی بر زندگی مشتریان گذاشته، قدرت افراد فقیر را در بهبود وضع زندگی ارتقا بخشیده و فقرا را از مزیت افزایش درآمد و در نتیجه بهبود سطح مصرف، بهداشت و افزایش دارایی بهره‌مند کرده است (Kumari, Azam &

Khalidah, 2019; Appah et al. 2012). تأمین مالی خرد از طریق تقویت و توسعه کسب و کارهای کوچک، منجر به توانمندسازی روستاییان و تسهیل روند توسعه روستایی می‌شود (Saadi, 2013).

در سال‌های گذشته، نهادهای مالی و دستگاه‌های اجرایی مختلفی از جمله صندوق کارآفرینی امید، پست بانک، بانک کشاورزی، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و سازمان بسیج سازندگی اقدام به اعطای وام به کسب و کارهای خرد و کوچک کرده‌اند (Doroudi, Abchar & Javan, 2019; Mozaffari & Ziaee, 2017; Ghasemi & Yarahmadi, 2020; Varmazyari et al., 2022). از جمله اقداماتی که مشخصاً در زمینه صندوق‌های تأمین مالی خرد به صورت رسمی در ایران انجام شده است، توسعه صندوق‌های تأمین مالی خرد در شهرستان قلعه‌گنج استان کرمان است (Varmazyari et al., 2022). بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، صندوق‌های تأمین مالی خرد روستایی را با هدف کاهش فقر و توانمندسازی جوامع روستایی، از طریق رونق بخشی به کسب و کارهای روستایی از سال ۱۳۹۴ راه‌اندازی کرده است. با وجود موفقیت نسبی این صندوق‌ها، شواهدی مبنی بر اثربخشی پایین اعتبارات صندوق‌های مذکور در توسعه اشتغال برای اعضا وجود دارد. به این ترتیب که وام‌های خرد اشتغال‌زایی، بعضاً از مسیر تولید و اشتغال خارج می‌شوند و یا اثر مناسب بر تثبیت و بهبود درآمد اعضا نمی‌گذارند. با آنکه حدود شش سال از آغاز به کار این صندوق‌ها می‌گذرد، مطالعه‌ای در خصوص تحلیل و بررسی مشکلات صندوق‌های مذکور در شهرستان قلعه‌گنج منتشر نشده است تا با استفاده از آن بتوان علل کاهش اثربخشی وام‌های مذکور را شناسایی کرد. (Salehi Chegani (2018) نیز بر وجود چالش‌هایی در مسیر نقش‌آفرینی صندوق‌های اعتباری خرد تأکید کرده‌اند. اعطای اعتبارات به خانواده کم‌درآمد، کارآفرینان نوپا و افراد مایل به ایجاد کسب و کارهای کوچک همواره با مخاطره زیاد در بازپرداخت وام‌ها مواجه بوده است. بنابراین معمولاً دولت‌ها می‌کوشند این مسئله را حل کنند (Ghanbari and Nouri, 2016). از این‌رو، مطالعه حاضر با هدف شناخت موانع و چالش‌های مذکور انجام شده و به دنبال پاسخ به سوال زیر است: چه چالش‌هایی سبب کاهش اثربخشی صندوق‌های تأمین مالی خرد روستایی در شهرستان قلعه‌گنج در توسعه کسب و کارهای اعضا شده است و کدام دسته از چالش‌ها از نظر اهمیت در اولویت قرار دارند؟ ارزیابی این موضوع به صورت میدانی از دیدگاه خود اعضا، می‌تواند اطلاعات واقعی برای اصلاح رویکردها در اختیار مجریان و سیاست‌گذاران این صندوق‌ها ارائه کند.

صندوق‌های مذکور در تیرماه ۱۳۹۴ تأسیس شدند و مبتنی بر گروه‌های خودیار هستند. بدین نحو که در هر روستا تعدادی گروه با ۱۰ تا ۱۵ نفر تشکیل می‌شود. هزینه ماهانه‌ای که هر یک از اعضای گروه باید بپردازند بر اساس اجماع اعضای گروه تعیین می‌شود. همه اعضا شروع به پرداخت هزینه ماهانه می‌کنند و صندوق در بازه‌های زمانی سه ماهه به مبلغی معادل مبلغ جمع‌آوری شده، گروه را تأمین مالی می‌کند. در مرحله بعد، هر فرد می‌تواند تا ده برابر سپرده خود وام دریافت کند. بر اساس روش اعطای وام گروهی، از ضمانت متقابل برای ارائه ضمانت استفاده می‌شود و در نتیجه، فشار همتایان از سوی اعضای گروه منجر به سطوح بالای بازپرداخت وام می‌شود.

## ۲. مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

اعتبارات خرد با برخورداری از ویژگی‌های اتکاء به کار گروهی، قابلیت انعطاف، مردمی‌بودن و تکیه بر عدالت اجتماعی، پایداری، سودآوری، ایجاد امنیت و مبارزه با فقر یکی از راهبردهای توانمندسازی جوامع محلی به شمار می‌رود. (2003) Douglas معتقد است، اعتبارات خرد ابزاری برای دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف به‌ویژه اقتصاد روستایی بوده و زمینه‌ساز پس‌انداز، یکپارچه‌سازی بازارهای روستایی و افزایش قدرت کشاورزان می‌باشد. نهادهای مالی ارائه‌کننده این خدمات مالی، معمولاً در نزدیکی منازل و محل‌های کسب‌وکار متقاضیان قرار دارند. خدمات این نهادها در سطح محلی آن دسته از افرادی که در روستاها زندگی می‌کنند یا آن دسته از افراد کم‌درآمدی که در حاشیه شهرها سکونت گزیده‌اند را دربر می‌گیرد (Taghiani, 2006).

امروزه وام‌هایی که برای توسعه کسب‌وکارهای کوچک داده می‌شوند، بیشتر مواقع برای رفع نیازهای دیگر به کار گرفته می‌شوند (Sebstad & Cohen 2001). در حالیکه مقصود بخش مهمی از اعتبارات خرد، تقویت تولید می‌باشد. (2020) Govindasamy & Viswanathan با بررسی چالش‌های اعتبارات روستایی و تأمین مالی خرد در هند، به این نتیجه رسیدند که عوامل مختلفی از جمله منابع پایه ضعیف، سطوح پایین کسب‌وکار و عملکرد ضعیف بازپرداخت وام‌ها، منجر به عملکرد ضعیف سیستم‌های اعتباری روستایی در تحقق اهداف خود شده‌اند. (2017) Mia در مطالعه‌ای با عنوان نرخ بهره در اعتبارات خرد؛ مسایل و چالش‌ها، به این نتیجه دست‌یافته است که وضع سقف نرخ سود هم برای مشتریان و هم برای مؤسسات تأمین مالی خرد ضرر دارد. این مداخله

در بازار میزان دسترسی مؤسسات تأمین مالی خرد را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد و مشتریان به احتمال زیاد در بلندمدت هزینه بالاتری را پرداخت خواهند کرد. (Yogendrarajah & Lecturer (2014) مهمترین چالش‌های فراروی صندوق‌های خرد را کمبود منابع مالی و تعداد کم صندوق‌ها، دسترسی اندک زنان به آموزش و مهارت در زمینه مهارت‌های مدیریتی و فنی و کسب‌وکارها، ناکارآمدی نظام تولید و ضعف در زیرساخت‌ها را می‌داند. (Meyer (2012) نیز مهمترین چالش‌های صندوق اعتبارات خرد را بازار ضعیف و مقرون به صرفه نبودن صندوق‌ها دانسته است.

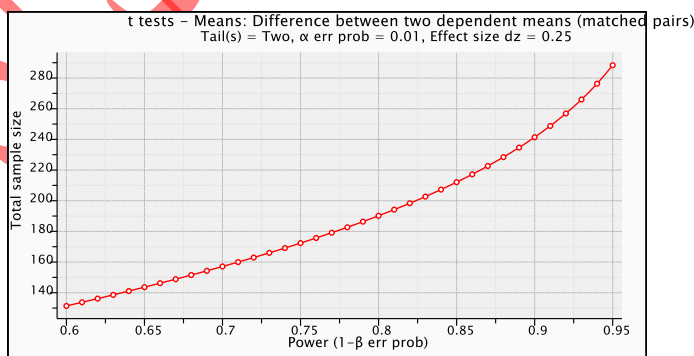
(Muhammad (2010) با بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اعتبارات خرد در پاکستان به این نتیجه رسیده است که مقررات نادرست، افزایش رقابت، محصولات نوآورانه و متنوع، سودآوری، ثبات، ظرفیت محدود مدیریت مؤسسات مالی خرد و غیره از چالش‌های عمده در این بخش بوده است. (Salehi Chegani, Rahimian and Rezaei (2017) در پژوهشی با عنوان تحلیل چالش‌های صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان لرستان، به این نتیجه رسیده‌اند که چالش‌های مدیریتی-اداری، قانونی-سیاسی، تولیدی-بازاریابی، ویژگی‌های اعضاء آموزشی، مالی-اعتباری و چالش‌های پایشی-برنامه‌ریزی از چالش‌های صندوق‌های اعتباری خرد در منطقه مورد مطالعه بوده است.

(Qolinia et al. (2005) شرایط نامناسب عضویت زنان و عدم نیاز سنجی‌های دقیق از وضعیت زنان روستایی را از عوامل شکست صندوق‌های اعتبارات خرد در استان کرمانشاه ارزیابی کردند. (Mohammadi Yeganeh et al. (2014) به بررسی آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی در شهرستان زنجان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کم بودن میزان اعتبارات پرداختی، کوچک‌مقیاس بودن واحدهای تولیدی و عدم ارائه آموزش‌های لازم از مشکلاتی هستند که باعث عدم اثرگذاری مثبت اعتبارات شده‌اند. (Mohammadi et al. (2020) در مطالعه خود نشان دادند که سابقه عضویت در صندوق تأمین مالی خرد، رابطه مثبت و معنی‌داری با کیفیت زندگی زنان روستایی داشته و شرکت در دوره‌های حرفه‌آموزی، پیش از دریافت اعتبارات خرد، بر هزینه‌کرد مناسب اعتبارات و بهبود کیفیت زندگی اثر مثبت داشته است.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه اعتبارات و تأمین مالی خرد در ایران، می‌توان گفت که بیشتر مطالعات ضمن اینکه محدود به زنان روستایی بوده است، این درحالیست که عمده کسب‌وکارهای روستایی تحت مدیریت سرپرستان خانوار می‌باشد. مطالعات قبلی تمرکز ویژه بر چالش‌های صندوق‌ها در حمایت از اشتغال افراد فقیر و کسب‌وکارهای خرد و کوچک فارغ از جنسیت نداشته‌اند. لذا نوآوری این مطالعه نسبت به پژوهش‌های پیشین، تمرکز بر شناخت عوامل بازدارنده‌ای است که مانع از اثربخشی وام‌های خرد در تقویت بنگاه‌های خرد و کوچک و رونق اشتغال و تولید می‌شود. در واقع تحقیق حاضر برای اولین بار، فارغ از مقوله جنسیت، بر تحلیل موانع اثربخشی وام‌های کسب‌وکار پرداخت‌شده توسط صندوق‌های تأمین مالی خرد تأکید کرده است.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ جهان بینی، از پارادایم پسااثبات‌گرایی پیروی نموده و از نظر رهیافت، کمی بوده و از راهبرد غیر آزمایشی (پیمایشی) استفاده کرده است. جامعه آماری پژوهش حاضر ۲۱ هزار نفر روستایی عضو در صندوق‌های تأمین مالی خرد راه اندازی شده توسط بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی در شهرستان قلعه‌گنج بود. برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار G\*Power استفاده شد. نوع آزمون دو دامنه، توان آماری، ۸۳ درصد و سطح خطای نوع اول، ۱ درصد و نسبت برتری، ۳/۴۳ تعیین شد. نرم‌افزار بر اساس اطلاعات ورودی، حجم نمونه مورد نیاز را ۲۰۳ نفر تعیین نمود (شکل ۲).



شکل ۲. تعیین حجم نمونه در سطح خطای نوع اول ۱ درصد

برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد. به طوری که ابتدا مناطق روستایی شهرستان قلعه‌گنج براساس تعداد دهستان به پنج خوشه تقسیم شد و درصد هر خوشه بر اساس سهم هر دهستان از اعضاء صندوق‌ها مشخص گردید. در مرحله بعدی روستاهایی از هر خوشه انتخاب و اعضاء صندوق‌ها در روستاهای مذکور به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر دهستان

دهستان	فراوانی	درصد فراوانی
قلعه گنج	۵۸	۲۸/۶
سرخ قلعه	۵۴	۲۶/۶
چاه دادخدا	۴۶	۲۲/۷
مارز	۱۲	۵/۹
رمشک	۳۳	۱۶/۳
مجموع	۲۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه‌ای بود که گویه‌های آن از مطالعات پیشین و مصاحبه‌های میدانی قبل از تکمیل پرسشنامه استخراج شد. روایی صوری پرسشنامه با اعمال نظرات کارشناسان مرتبط و نیز اخذ بازخورد میدانی از تکمیل آزمایشی مورد تأیید قرار گرفت. طیف سنجش مورد استفاده برای داده‌ها، بسته به نوع داده، اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای بود. پرسشنامه‌ها به صورت مصاحبه حضوری تکمیل شدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها به منظور تجزیه و تحلیل آنها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و از آزمون‌های توصیفی (میانگین، فراوانی، نما و ضریب تغییرات) و آزمون استنباطی تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

### ۳-۱. قلمرو جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

شهرستان قلعه گنج در استان کرمان و جنوب شرقی ایران قرار دارد. فاصله تا مرکز استان ۴۲۰ کیلومتر است. بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان قلعه گنج ۷۶۴۹۵ نفر بوده که ۱۳۱۶۹ نفر جمعیت شهری و ۶۳۳۲۶ نفر جمعیت روستایی می باشد (Iran Statistics Center, 2015).

### ۴. نتایج

#### ۴-۱. ویژگی های جمعیت شناختی

یافته های تحقیق نشان داد، ۹۳ نفر از اعضای صندوق (۴۵/۸ درصد) مرد و ۱۱۰ نفر (۵۴/۲ درصد) زن بودند. همچنین میانگین سنی پاسخگویان ۳۵/۴ سال، ۳۴ نفر (۱۶/۷ درصد) بی سواد، ۱۲۱ نفر (۵۹/۶ درصد) شاغل و ۱۹۷ نفر (۹۷ درصد) ساکن روستا بودند (جدول ۲).

#### جدول ۲. ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	سطح اندازه گیری	ویژگی ها	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	اسمی	مرد	۹۳	۴۵/۸
		زن	۱۱۰	۵۴/۲
سن	فاصله ای	کمتر از ۳۰	۷۳	۳۶
		۳۱-۴۰	۸۴	۴۱/۴
		۴۱-۵۰	۲۸	۱۳/۸
		۵۱-۶۰	۱۱	۵/۴
		بالتر از ۶۰	۷	۳/۴
تحصیلات		بی سواد	۳۴	۱۶/۷
		خواندن نوشتن	۹	۴/۴
		ابتدایی	۳۳	۱۶/۳



متغیر	سطح اندازه گیری	ویژگی ها	فراوانی	درصد فراوانی
	ترتیبی	راهنمایی	۲۷	۱۳/۳
		متوسطه	۷	۳/۴
		دیپلم	۵۹	۲۹/۱
		فوق دیپلم	۱۲	۵/۹
		کارشناسی و بالاتر	۲۲	۱۰/۸
اشتغال	اسمی	شاغل	۱۲۱	۵۹/۶
		بیکار	۸۲	۴۰/۴
محل سکونت	اسمی	روستا	۱۹۷	۹۷
		شهر	۶	۳

منبع: یافته‌های تحقیق

## ۲-۴. اولویت بندی چالش‌های مربوط به صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب و کارهای

### روستایی

در ادامه برای اولویت‌بندی چالش‌های موجود در صندوق‌های تأمین مالی خرد روستائی در مسیر توسعه کسب و کار، از آماره ضریب تغییرات استفاده شد. با توجه به جدول (۳) بیشترین اجماع، به ترتیب به چالش‌های «گران بودن نهاده‌ها و تجهیزات»، «حضور و رقابت‌های واحدهای بزرگ»، «ترس از شکست»، «کمبود پس انداز یا دارایی و مشکل در تأمین منابع مالی»، «عدم همراهی و پشتیبانی از طرف خانواده یا دوستان» و «پایین بودن نظم مالی اعضاء» تعلق گرفت. در این میان چالش‌های «عدم بهره‌مندی از جاده مناسب»، «عدم بهره‌مندی مناسب از برق»، «عدم بهره‌مندی مناسب از آب» و «عدم بهره‌مندی از آموزش حرفه‌ای» به ترتیب کم‌ترین اجماع را به خود اختصاص دادند (جدول ۳).

جدول ۳. اولویت‌بندی چالش‌های موجود در صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب‌وکارهای

روستایی

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۰/۱۵	۱/۴۴	۹/۵۷	گران بودن نهاده‌ها و تجهیزات
۰/۲۵	۲/۲۶	۹/۰۳	حضور و رقابت‌ها واحدهای بزرگ
۰/۲۵	۲/۳۱	۹/۰۴	ترس از شکست
۰/۳۱	۲/۶۵	۸/۵۰	کمبود پس‌انداز یا دارایی و مشکل در تأمین منابع مالی
۰/۳۳	۲/۸۷	۸/۵۱	عدم همراهی و پشتیبانی از طرف خانواده یا دوستان
۰/۳۷	۲/۸۴	۷/۵۳	پائین بودن نظم مالی اعضاء
۰/۳۸	۳/۰۵	۷/۹۳	عدم دریافت وام در زمان مناسب
۰/۵۰	۲/۸۳	۵/۵۹	بالا بودن مبلغ اقساط وام
۰/۸۶	۲/۳۴	۲/۷۲	کم بودن مدت تنفس وام
۰/۹۱	۳/۲۶	۳/۵۶	ناکافی بودن مبلغ وام
۰/۹۳	۳/۴۱	۳/۶۷	کمبود نیروی کار جوان
۱/۰۰	۲/۸۱	۲/۸۱	فقدان قابلیت مناسب برای ایجاد شغل در روستا
۱/۰۲	۲/۷۴	۲/۶۸	نبود ایده برای راه اندازی کسب‌وکار سودده مناسب
۱/۰۲	۳/۴۴	۳/۳۵	کمبود ابزارها و تکنولوژی‌های مناسب
۱/۰۵	۱/۸۸	۱/۷۹	کمبود اعتماد به نفس روستائیان
۱/۰۷	۱/۵۵	۱/۴۴	عدم راهنمایی و هدایت اعضاء توسط کارکنان صندوق
۱/۰۹	۲/۱۳	۱/۹۵	عدم برخورداری از زمین مناسب
۱/۱۱	۱/۹۳	۱/۷۴	عدم مهارت کافی

گوبه ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
فقر مالی خانوار	۱/۴۷	۱/۶۴	۱/۱۱
فرآیند طولانی اخذ مجوزها و پروانه‌های کسب‌وکار	۱/۹۹	۲/۲۷	۱/۱۴
عدم بهره‌مندی از بازار مناسب	۱/۷۶	۲/۰۱	۱/۱۴
عدم بهره‌مندی از آموزش حرفه‌ای	۱/۹۱	۲/۱۹	۱/۱۵
عدم بهره‌مندی مناسب از آب	۱/۸۵	۲/۱۴	۱/۱۵
عدم بهره‌مندی مناسب از برق	۲/۱۴	۲/۵۵	۱/۱۹
عدم بهره‌مندی از جاده مناسب	۲/۲۱	۲/۶۷	۱/۲۰

منبع: یافته‌های تحقیق یادداشت: کلیه گوبه‌های فوق، بر اساس بین ۱ (کمترین بازدارندگی) و ۱۰ (بیشترین بازدارندگی) سنجیده شده‌اند.

### ۳-۴. موانع اثربخشی صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب‌وکارهای روستایی

در ادامه به منظور شناخت ابعاد چالش‌های مؤثر در کاهش اثربخشی وام‌های صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب‌وکارهای روستایی، ابتدا ۲۵ گویه شناسایی و وارد تحلیل عاملی اکتشافی شد. اجرای تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از استخراج مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس بر روی ۲۵ گویه، بیانگر این موضوع بود که داده‌ها به طور طبیعی تمایل به قرارگیری در بیش از یک عامل را داشتند. به منظور تعیین مناسب بودن داده‌های جمع‌آوری شده، از ضریب KMO (کفایت حجم نمونه) و آماره بارتلت استفاده شد. مقدار KMO (۰/۸۹) بر مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی و معنی‌داری آماره بارتلت با مقدار ۳۴۰۲/۵۸ در سطح ۹۹ درصد بر همبستگی درونی گویه‌ها جهت استخراج عوامل و تشکیل عوامل صحت گذاشتند (جدول ۴).

#### جدول ۴. نتایج آزمون کیسر-مایر-الکین و آزمون کرویت بارتلت

۰/۸۸۷	KMO
۳۴۰۲/۵۸	آزمون بارتلت
۳۰۰	درجه آزادی
۰/۰۰	سطح معنی‌داری

منبع: یافته‌های تحقیق

به‌منظور تلخیص داده‌ها و تعیین تعداد عوامل، پس از انجام تحلیل عاملی، عامل‌هایی که مقدار ویژه آنها بزرگتر از یک بود، انتخاب شد. براین اساس، طبق نتایج ماتریس عاملی متعامد چرخش یافته، چهار عامل استخراج شد و در مجموع (۶۳/۹۵ درصد) از واریانس کل چالش‌های موجود در صندوق‌های تأمین مالی خرد روستایی در توسعه کسب‌وکارهای روستایی را تبیین کردند (جدول ۵).

بر حسب نتایج جدول (۵) عامل «ادراک پائین نسبت به قابلیت‌های اشتغال‌زایی و استعدادهای کارآفرینانه» با (۲۹/۸۰ درصد)، بیشترین سهم را در تبیین واریانس چالش‌های موجود در این صندوق‌ها در توسعه کسب‌وکارهای روستایی در منطقه مورد مطالعه داشت. این عامل بر اساس بارعاملی به ترتیب شامل گویه‌های فقدان قابلیت مناسب برای ایجاد شغل در روستا، کمبود نیروی کار جوان، نبود ایده برای راه‌اندازی کسب‌وکار سودده، عدم همراهی و پشتیبانی از طرف خانواده یا دوستان، فرآیند طولانی اخذ مجوزها و پروانه‌های کسب‌وکار، حضور و رقابتها واحدهای بزرگ، عدم بهره‌مندی مناسب از برق، ترس از شکست، کمبود اعتماد به‌نفس روستائیان، عدم راهنمایی و هدایت اعضاء توسط کارکنان صندوق، نظم مالی نداشتن اعضاء و گرانی نهاده‌ها و تجهیزات بود (جدول ۵).

به‌عبارت‌دیگر، گویه‌های قرار گرفته در این عامل به‌عنوان مهمترین چالش‌ها در کاهش اثربخشی وام‌های صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب‌وکارهای روستایی شناسایی شدند. عامل دوم با میزان تبیین واریانس ۱۵/۲۱ درصد به ترتیب شامل گویه‌های فقر مالی خانوار، کمبود پس‌انداز یا دارایی و مشکل در تأمین منابع مالی، کم‌بودن مدت تنفس وام ناکافی بودن مبلغ وام، بالا بودن مبلغ اقساط وام، عدم بهره‌مندی از بازار

مناسب و عدم دریافت وام در زمان مناسب است. لذا مطابق با گویه‌های بارگزاری شده در این عامل، می‌توان عنوان «توان مالی پایین خانوارها و شرایط نامطلوب وام‌ها» را برای آن برگزید.

عامل سوم با گویه‌های عدم مهارت کافی و کمبود ابزارهای مناسب و تکنولوژی‌های مناسب با مقدار ویژه ۲/۴۹ درصد و تبیین واریانس ۹/۹۸ درصد تحت عنوان «فقدان مهارت و فناوری مناسب» نام‌گذاری شد. عامل چهارم «فقدان بهره‌مندی از زیرساخت‌ها و عوامل تولید مناسب» نام داشت که با مقدار ویژه ۲/۲۳ درصد، ۸/۹۴ درصد از واریانس کل را تبیین کرد. این عامل به ترتیب گویه‌های عدم بهره‌مندی مناسب از آب، عدم برخورداری از زمین مناسب و عدم بهره‌مندی از جاده مناسب را در بر گرفت. در نهایت چهارعامل استخراج شده توانایی نمایندگی از ۶۳/۹۵ درصد واریانس چالش‌های مؤثر در کاهش اثربخشی صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب‌وکارهای روستایی را از خود نشان دادند.

#### جدول ۵. ساختار عاملی چالش‌های مربوط به صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه

##### کسب‌وکارهای روستایی

ردیف	نام‌گذاری عامل	گویه	بار	مقدار	درصد تبیین
۱	ادراک پایین نسبت به قابلیت‌های اشتغال‌زایی و استعدادهای کارآفرینانه	فقدان قابلیت مناسب برای ایجاد شغل در روستا	عاملی	ویژه	واریانس
		کمبود نیروی کار جوان			
		نبود ایده برای راه اندازی کسب‌وکار سودده			
		عدم همراهی و پشتیبانی از طرف خانواده یا دوستان			
		فرآیند طولانی اخذ مجوزها و پروانه‌های کسب‌وکار	۰/۷۸	۷/۴۵	۲۹/۸۰
		حضور و رقابت‌ها واحدهای بزرگ	۰/۷۲		

ردیف	نام گذاری عامل	گویه	بار	مقدار	درصد تبیین
			عاملی	ویژه	واریانس
		عدم بهره‌مندی مناسب از برق	۰/۷۱		
		ترس از شکست	۰/۶۹		
		کمبود اعتماد به نفس روستائیان	۰/۶۸		
		عدم راهنمایی و هدایت اعضاء توسط کارکنان	۰/۶۸		
		صندوق			
		پائین بودن نظم مالی اعضاء	۰/۶۲		
		گران بودن نهاده‌ها و تجهیزات	۰/۵۸		
		فقر مالی خانوار	۰/۸۱		
		کمبود پس انداز یا دارایی و مشکل در تأمین منابع مالی	۰/۷۶		
		کم بودن مدت تنفس وام	۰/۷۶		
		ناکافی بودن مبلغ وام	۰/۷۲	۳/۸۰	۱۵/۲۱
		بالا بودن مبلغ اقساط وام	۰/۷۰		
		عدم بهره‌مندی از بازار مناسب	۰/۶۰		
		عدم دریافت وام در زمان مناسب	۰/۵۲		
		عدم مهارت کافی	۰/۸۶		
		کمبود ابزارها و تکنولوژی های مناسب	۰/۸۱	۲/۴۹	۹/۹۸
		فقدان مهارت و فناوری مناسب			
		فقدان بهره مندی از زیرساخت ها	۰/۷۵		

توان مالی پایین خانوارها و شرایط نامطلوب وام ها

نام گذاری عامل	گویه	بار	مقدار	درصد تبیین
۴	عدم برخورداری از زمین مناسب	عاملی	ویژه	واریانس
		۰/۶۷		
			۲/۲۳	۸/۹۴
	عدم بهره‌مندی از جاده مناسب			
		۰/۵۴		

منبع: یافته‌های تحقیق

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به منظور شناسایی عمده‌ترین موانع اثربخشی صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب‌وکارهای روستایی در شهرستان قلعه‌گنج انجام شد. در این مطالعه، ۵۴/۲ درصد اعضای این صندوق‌ها را زنان و ۴۵/۸ درصد آنها را مردان تشکیل دادند. این یافته نشان دهنده آن است که عضوگیری صندوق‌های مورد مطالعه، محدود به جنسیت خاص نیست. این درحالیست که بیشتر مطالعات پیشین در زمینه اعتبارات خرد، منحصر به گروه زنان بوده است ( Babaei Amin et al., 2020; Moghads Freemani et al., 2019; Norouzi et al., 2018; Valizadeh and Karimi Goghari, 2018; Fawadi et al. 2018). نتایج حاصل از ضریب تغییرات نشان داد که اعضای صندوق‌ها، اجماع بالایی مبنی بر اثر منفی مشکلاتی مانند گران بودن نهاده‌ها و تجهیزات، حضور و رقابت با واحدهای اقتصادی بزرگ، ترس اعضا از شکست و کمبود پس‌انداز یا دارایی و مشکل در تأمین منابع مالی، بر نقش‌آفرینی صندوق‌های تأمین مالی خرد در توسعه کسب‌وکارها داشته‌اند. همچنین عوامل تلخیص شده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، بیانگر چهار مانع اصلی «ادراک پایین نسبت به قابلیت‌های اشتغال‌زایی و استعدادهای کارآفرینانه»، «توان مالی پایین خانوارها و شرایط نامطلوب وام‌ها»، «فقدان مهارت و فناوری» و «فقدان بهره‌مندی از زیرساخت‌ها و عوامل تولید مناسب» بود که سبب اختلال در اثربخشی این صندوق‌ها، در توسعه کسب‌وکارهای روستایی شده بودند.

مهم‌ترین مانع نقش‌آفرینی صندوق‌های تأمین مالی خرد «ادراک پایین نسبت به قابلیت‌های اشتغال‌زایی و استعدادهای کارآفرینانه» بوده است که با نتایج پژوهش‌های (Yogendrarajah & Lecturer, 2014; Muhammad, 2017; Salehi, Rahimian and Rezaei, 2010) مطابقت دارد. در واقع، حل مشکلاتی مانند تصور فقدان قابلیت

مناسب برای ایجاد شغل در روستا و نبود ایده‌های کسب‌وکار سودده در کنار ترس از شکست، باید مورد توجه دست‌اندرکاران صندوق‌های مورد مطالعه قرار گیرد. توانمندسازی روان‌شناختی اعضا و شناسایی و معرفی فرصت‌های اقتصادی روستاها از طریق سازوکارهایی مانند مراکز رشد و شتابدهی می‌تواند در رفع این چالش راهگشا باشد. در وهله بعدی، «توان مالی پائین خانوارها و شرایط نامطلوب وام‌ها» حکایت از بستری دارد که این صندوق‌ها در آن فعالیت می‌کنند. به این نحو که بیشتر اعضای این صندوق‌ها از اقشار ضعیف جامعه بوده و با ضعف پس‌اندازها و منابع درآمدی مواجه هستند. این بستر می‌تواند زمینه مصرف وام‌های اشتغال در اهداف غیرتولیدی را فراهم کند. از سوی دیگر، چنین افرادی معمولاً به دلیل قدرت مالی پایین قادر به سرمایه‌گذاری در فرصت‌های شغلی پربازده نیستند و البته اعتماد به نفس پایین نیز در این راستا مؤثر است. بالا بردن توان مالی اعضا از طریق تنوع‌بخشی به تولیدات به منظور ایجاد امکان اخذ وام‌های با مبالغ بیشتر و توجه به تأمین نیازهای اساسی و اضطراری اعضا، می‌تواند سبب ارتقاء اثربخشی صندوق‌ها شود. در این زمینه (Mohammadi Yeganeh et al, 2014 & Meyer, 2012؛ Salehi, Rahimian and Rezaei, 2017) به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

مانع سوم که با عنوان «فقدان مهارت و فناوری» نام‌گذاری شده است، از چالش‌های عمده در زمینه اثربخشی صندوق‌های تأمین مالی خرد بوده است که با یافته‌های (Yogendrarajah & Lecturer (2014) همخوانی دارد. نیروی کارآمد و آموزش‌یافته از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ به طوری که با تکیه بر نیروی انسانی مهارت‌یافته، می‌توان فرایند رشد و توسعه اقتصادی و بهبود منابع درآمدی اعضا را سرعت بخشید. بنابراین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اعضای صندوق‌ها جهت بهبود وضعیت اقتصادی آنها و شتاب‌دهی به فرایند تولید و اشتغالزایی به‌عنوان یک پیشنهاد اساسی در پژوهش حاضر مطرح است، زیرا سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و افزایش ابزار و تجهیزات اشتغالزایی و به‌طور کلی سرمایه‌فیزیکی بدون سرمایه انسانی ماهر و کارآمد بلا استفاده مانده و یا به نحو اقتصادی و کارآمد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. شایان ذکر است که زمینه اجرای فعالیت‌های توانمندساز و توسعه مهارت‌ها، با توجه به اینکه میانگین سنی اعضای این صندوق‌ها ۳۵/۴ سال بود و حدود ۴۶ درصد اعضای این صندوق‌ها دارای مدرک دیپلم و بالاتر بودند، فراهم است.



آخرین مانع استخراج شده، «فقدان بهره‌مندی از زیر ساخت‌ها و عوامل تولید مناسب» بود که در این زمینه (2014) Yogendrarajah & Lecturer به نتایج مشابهی دست‌یافته است. در واقع؛ توسعه اشتغال‌زایی و کسب‌وکار در میان اعضای صندوق‌ها در کنار تقویت نیروی انسانی، نیازمند مهیا‌سازی زمینه‌های توسعه کسب‌وکارها و زیرساخت‌هاست؛ به‌ویژه اینکه قلعه‌گنج در زمره مناطق محروم کشور قرار دارد. لذا پیشنهاد می‌شود، مسئولان صندوق‌ها در زمینه مرتفع‌سازی چالش‌های زیرساختی نیز تلاش لازم را به خرج دهند تا وام‌های اشتغال‌زایی در مسیر اهداف اصلی صندوق‌ها هزینه شود. در این راستا صندوق‌ها می‌توانند نیازهای زیرساختی اعضا برای توسعه کسب‌وکار را بر اساس یک برنامه جامع اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی شناسایی و برای تأمین آنها وارد مذاکره با دستگاه‌های اجرایی مربوطه شود. همچنین دست‌اندرکاران ذیربط می‌توانند با اداره منابع طبیعی مربوطه جهت واگذاری اراضی مستعد به اعضای صندوق‌ها در قالب یک فرایند تسهیل‌گرانه و طرح کسب‌وکار مشخص، هماهنگی‌های لازم را به عمل آورند.

## منابع و مأخذ

Ali, A., & Alam, M. A. (2010). Role and performance of microcredit in Pakistan, Department of Economics and Informatics, University West.

Appah & al., (2012). Analysis of Microfinance and Poverty Reduction in Bayelsa State. Kuwait Chapter of Arabian Journal of Business and Management Review, 1(7), 38-52.

Babaei A., Baradaran, M., and Forozani. (2020). Evaluation of rural women's microcredit fund in Lorestan province. Village and Development, 23(2), 135-156

Chilimba, M. T., Dunga, H., & Mafini, C. (2020). THE IMPACT OF MICROFINANCE PROGRAMME PARTICIPATION ON HOUSEHOLD FOOD SECURITY IN MALAWI. International Journal of Economics and Finance Studies, 12(1), 204-222.

Doroudi, H., Abchar, B., & Javan, B. 2019. The role of Post Bank micro-facilities in the economic development of rural areas of Zanjan County. Space Economy & Rural Development, 8 (29): 67-90.

Douglas, P. (2003). Financial services for the rural poor. CGAP Donor Brief. Washington, DC.

Dutta, A., & Banerjee, S. (2018). Does microfinance impede sustainable entrepreneurial initiatives among women borrowers? Evidence from rural Bangladesh. *Journal of rural studies*, 60, 70-81. *Journal of Rural Development Strategies*, 6(2), 135-144. doi: 10.22048/rdsj.2020.169642.1777

Fawadi, Farzaneh, Chaharsooqi Amin, Hamed, Alipour, & Hassan (2018). Factors Effective on Success of Rural Women's Micro-credit Fund. *Village and Development*, 14(4), 49-65.

Félix, E. G. S., & Belo, T. F. (2019). The impact of microcredit on poverty reduction in eleven developing countries in south-east Asia. *Journal of Multinational Financial Management*, 52, 100590.

Ghanbari, Y., and Nouri, R. (2016). Evaluating the effect of microcredits of the aid committee on the sustainability of the population in rural areas (case study: Khomein city). *Economic Journal*, 17(65), 177-197.

Ghasemi, M., & Yarahmadi M. 2020. Investigating the Role of the Hope Entrepreneurship Fund in the Development of Small Businesses in Rural Areas (Case study: villages of Kashmar county). *Journal of economic and development sociology*, 9 (1): 219-242.

Govindasamy, P., & Viswanathan, E. (2020). Exhilarating Challenges of Rural Credit and Microfinance Modeling. *Mukt Shabd Journal*. Vol. IX, Issue. IV, 211-218.

Johnson, S., & Rogaly, B. (1997), "Microfinance and poverty reduction", Oxfam Publication.

Kamatbar Malekshah, N., Motamed, M.K. and Ahmadi Firouz Jai, A. (1392). Investigating the impact of microcredits on sustainable employment in rural areas, the first national conference on sustainable agriculture and natural resources, Tehran.

Karami, A., Bakhshoodeh, M. (2010). An Investigation of the Access of Small Farmers to Rural Credits, Kohgiluyeh and Boirahmad Province. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 2-40(4), -

Klärner, A., & Knabe, A. (2019). Social networks and coping with poverty in rural areas. *Sociologia Ruralis*, 59(3), 447-473.

Kumari, J. P., Azam, S. F., & Khalidah, S. (2019). The effect of microfinance services on poverty reduction: Analysis of empirical evidence in Sri Lankan perspectives. *European Journal of Economic and Financial Research*.

Meyer, R. (2012). Microcredit and Agriculture: Challenges, Successes, and Prospects:18, Retrieved from:<https://www.incofin.com/sites/default/files/attachments/publications/Microfinance%20and%20agriculture.pdf>

Mia, M. A. (2017). Interest rate caps in microfinance: Issues and challenges. *The Journal of industrial distribution & business*, 8(3), 19-22.

Moghads Fremani, Shahram, Mirtrabi, Mahdiah Al-Sadat, Qaim Maggi, Seyed Sohail. (2019). Economic-social empowerment of rural women and factors influencing it (case study: members of

microcredit funds of rural women in Zanjan province). *Rural Development Strategies*, 7(3), 347-363. doi: 10.22048/rdsj.2021.250336.1877

Mohammadi Yeganeh, Chiraghi and Ahmadi, K. (2014). Investigating the effects of microcredit on the economic empowerment of the rural poor, a case study: Ghani Biglo village, Zanjan city. *Geography and Development journal*, 12(35), 233-247.

Mohammadi, Yasser; Akmal's awatefi, Fershet and Mina Zamiri arasteh. (2020). The quality of life of rural women: a function of microfinance quality and individual quality (case study of Kermanshah and Hamadan cities). *Economic Research and Agricultural Development of Iran*, 51(3), 587-602

Mozaffari, M. M and Ziaee, M.S. 2017. Survey the Effects of Micro Finance Credits Fund on the Rural Women's Managerial Empowerment (Case Study: Alamout Region). *Journal of investment knowledge*, 6 (24), 231-250.

Muhammad, S. D. (2010). Microfinance challenges and opportunities in Pakistan. *European Journal of Social Sciences*, 14(1), 88.

Nowrozi, Abbas, Farhadian, Homayun, Hosseinian, Mina. (2018). Investigating the level of economic, social, psychological and family capabilities of rural women who are members of microcredit funds in Sistan region. *Rural Development Strategies*, 6(2), 135-144. doi: 10.22048/rdsj.2020.169642.1777

Qolinia, M. Farid, H., Faraji, A. (2005). Factors affecting the success and failure of rural women's microcredit funds in Mazandaran and Kermanshah provinces. *Conference on Rural Credits, Rural Development and Poverty Reduction*, December 2014, Tehran: Economic Research Center of Agricultural Bank, pp. 349-381

Saadi, H. (2013). The role of small businesses in providing the basic needs of women heads of rural households in Hamadan province. *Economic Research and Agricultural Development of Iran*, 44(2), 271-282

Saei, M., ziaee, S. (2016). Investigating the effect of microcredit funds on alleviating poverty, generating income and creating employment in Kerman province. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 47(1), 227-235. doi: 10.22059/ijaedr.2016.58845

Salehi, M., Rahimian, M., and Gholamrezaei, S. (2016). Analysis of the challenges of rural women's microcredit funds in Lorestan province. *Agricultural Education and Promotion Research*, 10(2 (series 38)), 57-68

Salehi, M., Rahimian, M., Gholamrezai, S. (2018). Analyzing the Solutions of Microcredit Funds to Empower Rural Women (Case study: Lorestan Province). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 49(4), 675-687. doi: 10.22059/ijaedr.2018.251895.668561

Sebstad J, Cohen M. (2001). *Microfinance, Risk Management and Poverty*. CGAP: World Bank, Washington, DC.

Sengupta, R., & Aubuchon, C. P. (2008). The microfinance revolution: An overview. Federal Reserve Bank of St. Louis Review, 90(January/February 2008).

Shabanali Fami, H., Talebpour, F., Barati, A., Shaiq, M. A. (2022). Prerequisites and mechanisms for the development of green businesses in Rey County from the perspective of rural women and experts. Journal of Economic geography research, 3(7),

Shahid, M. A., & Bohara, A. (2020). Does Microfinance Increase Food Security? Evidence from Nepal. Journal of Food Security, 8(3), 89-97.

Shaiq, M., Kalantari, K., Asadi, A., Barati, A. (2021). Investigating Afghanistan's Rural Development Challenges and their Solutions. Journal of Rural Research, 12(3), 520-535. doi: 10.22059/jrur.2021.314964.1585

Thanh, P. T., Saito, K., & Duong, P. B. (2019). Impact of microcredit on rural household welfare and economic growth in Vietnam. Journal of Policy Modeling, 41(1), 120-139.

Valizadeh, & Karimi Gogri. (2018). Analysis of factors affecting the intention of social entrepreneurship in rural and nomadic women's microcredit funds. Entrepreneurship strategies in agriculture, 5(9), 10-20

Varmazyari H., Kalantari K., & Shabanali Fami, H. (2008). Analysis of factors influencing the use of agricultural banking facilities in Khoy city, Rural Research journal, 113.32

Varmazyari, H., Shaiq, M., Amiri Mijan, M., kalantari, K. (2022). Analysis of spending business microloans on rural employment development; application of a logistic regression model. Journal of Rural Research, 13 (3), -. doi: 10.22059/jrur.2022.328164.1660

Yogendrarajah, R., & Lecturer, S. (2014). Impacts of Microfinance Institutions: Issues and Concepts- An Empirical Study on Sri Lankan Context, Journal of Business & Management(COES&RJJB), Retrieved from: <http://www.centrefexcellence.net/J/JBM/Vol2/No4/Article3.pp.302-315.pdf>

## **Analysis of Barriers to Effectiveness of Microfinance Funds in Rural Businesses Development**

### **Abstract**

Nowadays, as an efficient approach, microfinance play a vital role in supporting small businesses and creating job opportunities. Therefore, microfinance pave the way for saving and development. Evidence indicates that microfinance funds in Ghalehganj County, Iran face some challenges despite their achievements in credit services provided for strengthening the job status of local residents. Therefore, the extant study was conducted to identify and analyze challenges related to rural microfinance funds in Ghalehganj County. The statistical population comprised 21.000 villagers who were members of the microfinance funds established in Ghalehganj County. The data were collected by questionnaires. Besides measures of central tendency and dispersion statistics, exploratory factor analysis were employed for data analysis. Findings introduced some challenges, including low perception towards job-creation capabilities and entrepreneurial talents, low financial power of households, undesired loan conditions, lack of skills and appropriate technology, lack of infrastructures, and production factors as the most substantial barriers to the effectiveness of associated microfinance funds in business development. The findings of this study can play an important role in giving the accurate insights to the practitioners of microfinance funds, particularly regarding to the lack of the sufficient and appropriate empirical literature in Iran.

**Keywords:** Microloans, Entrepreneurial Capabilities, Poverty Eradication, Qaleh Ganj

## **Analysis of Barriers to Effectiveness of Microfinance Fund in Rural Businesses Development**

### **Objectives**

One of the reasons for the continued poverty among vulnerable groups is their lack of access to appropriate financial and credit resources. This problem causes poor people to be unable to engage in appropriate economic activities and adopt appropriate livelihood strategies. Nowadays, as an efficient approach, microfinance play a vital role in supporting small businesses and creating job opportunities. Therefore, microfinance pave the way for saving and development. Evidence indicates that the microfinance institution in Qaleh Ganj County, Iran faces some challenges despite its achievements in credit services provided for strengthening the employment of local residents. Therefore, the current study was conducted to identify and analyze challenges related to rural microfinance institution in Qaleh Ganj County. Assessment of the challenges can provide real information to the executives and policymakers of these institution to make necessary revisions.

### **Methods**

The current study follows the post-positivism paradigm while applying a quantitative approach and a survey strategy. The statistical population comprised 21,000 villagers who were members of the microfinance institution established in Qaleh Ganj County. G\*Power software was used to determine the sample size. Multistage sampling was used to select the sample. The main tool of the research was a questionnaire whose items were extracted from previous studies and field interviews. In order to analyze the data, SPSS software version 26 and descriptive statistics (mean, frequency, exponent and coefficient of variation) and exploratory factor analysis were used.

### **Results**

The results of the research showed that 93 respondents (45.8%) were male and 110 respondents (54.2%) were female. The average age of the respondents was 35.4 years. Examining the educational profile of the members of microfinance institution showed that 34 (16.7%) members were illiterate. Also, according to the statistics obtained from the total of 193 respondents, 121 people (59.6 percent) were employed and 82 people (40.4 percent) were unemployed.

The results of the Coefficient of Variation (CV) showed that the members of the institution had a high consensus on the negative effect of problems such as the high cost of inputs and equipment, the presence and competition of large economic units, fears of failure, and lack of savings or assets and difficulties in funding, on the role of microfinance institution in the development of businesses.

The summarized factors derived from the exploratory factor analysis indicated four main obstacles: "low perception towards job-creation capabilities and entrepreneurial talents, low financial power of households, undesired loan conditions, lack of skills and appropriate technology, lack of infrastructure and production factors" that had caused disruption in the effectiveness of this institution in the development of rural businesses.

## Discussion

This study was conducted to identify the main obstacles to the effectiveness of microfinance institution in the development of rural businesses in Qaleh Ganj County. About 46 percent of the studied sample in this research was male. Meanwhile, most of the previous studies in the field of microcredits have been exclusive to women (Babaei Amin et al., 2020; Moghads Freemani et al., 2019; Norouzi et al., 2018; Valizadeh & Karimi Goghari, 2018; Fawadi et al. 2018). Findings introduced some challenges, including low perception towards job-creation capabilities and entrepreneurial talents, low financial power of households, undesired loan conditions, lack of skills and appropriate technology, lack of infrastructures and production factors as the most substantial barriers to the effectiveness of the microfinance institution in business development. The most important obstacle to the contribution of microfinance institution was "low perception of employment capabilities and entrepreneurial talents." In fact, solving problems such as the lack of proper ability to create jobs in the village and the lack of profitable business ideas along with the fear of failure should be taken into consideration by the institution. Psychological empowerment of members and identification and introduction of economic opportunities in villages through mechanisms such as incubation centers can be a way to solve this challenge. On the other hand, the development of employment and business among the members of the institution, along with the strengthening of the human force, require the business infrastructure development; especially, Qaleh Ganj County is among the deprived areas of the country. Therefore, it is suggested that the officials of the institution should make the necessary effort to solve the infrastructural challenges so that the employment loans are spent in the direction of the main goals of the institution. The findings of this study can play an important role in giving the accurate insights to the practitioners of microfinance institution, particularly regarding to the lack of the sufficient and appropriate empirical literature in Iran.

**Keywords:** Microloans, Entrepreneurial Capabilities, Poverty Eradication, Qaleh Ganj